

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد

در میان شهروندان کرمانی

منصور حقیقتیان،^{*} زهیر مصطفی بلواردی،^{**} طبیه بلواردی^{***}

چکیده

پرسش از چرا بی فساد از قدیمی‌ترین پرسش‌های پیش روی انسان است که در عصر حاضر نه تنها رنگ کهنه‌گی به خود نگرفته بلکه به یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها و پرسش‌ها بدل گشته است. مشکل این پرسش از آنجا آغاز می‌شود که آنچه در کانون توجه برداشت‌های تجربی صورت‌گرفته از فساد قرار دارد، پرداختن به فساد اداری و پیامدهای آن است. این نوشتار ضمن تأکید بر چنین تحقیقاتی، حلقة مفتوحة آنها را عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد دانسته و با مبنای قراردادن دیدگاه انتخاب عقلانی، نظریه دوراهی اجتماعی و نظریه بازی و براساختن مفاهیم ترجیحات ایثارگرانه، ترجیحات طفیل‌گرایانه، ارزش‌های ترقی فردی، کاهش قبح فساد، دین‌داری و عقلانیت ایزاری با روش پیمایش و تکنیک نمونه‌گیری خوش‌های چندمرحله‌ای، آنها را در میان چهارصد نفر از شهروندان کرمانی به محک آزمون نهاده است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که به استثنای متغیر ارزش‌های ترقی فردی و دین‌داری، تمامی متغیرها معنادارند. هرچند که میزان و جهت تأثیرگذاری‌شان متفاوت است. همچنین ضریب رگرسیون دلالت بر سهم بیشتر متغیرهای کاهش قبح فساد، ترجیحات طفیل‌گرایانه و عقلانیت ایزاری در تغییرات نگرش شهروندان به فساد داشته‌اند؛ به گونه‌ای که به استثنای ارزش‌های ترقی فردی و دین‌داری، متغیرهای ترجیح ایثارگری، ترجیح طفیلی‌گری، کاهش قبح فساد و عقلانیت ایزاری رابطه معناداری با نگرش به فساد برقرار نمودند.

کلیدواژه‌ها: نگرش به فساد، ترجیح رفتاری ایثارگرانه، ترجیح رفتاری طفیل‌گرایانه، ارزش‌های ترقی فردی، کاهش قبح فساد.

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان (نویسنده مسئول) mansour_haghigheian@yahoo.com

mostafa.balvardi@gmail.com

** دکتری جامعه‌شناسی، گروه تربیت حرفه‌ای، دانشگاه فرهنگیان، کرمان، ایران

t_balvardi90@yahoo.com

*** عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۲

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۷۵-۵۵

مقدمه

در چارچوب واکاوی آسیب‌های اجتماعی، شناخت نگرش‌ها و ایستارهای ذهنی یکی از مهم‌ترین بایستگی‌های تحلیلی در حوزه علوم اجتماعی است. در یک گستره وسیع می‌توان نگرش‌ها را شبکهٔ مرجعی قلمداد نمود که افراد و گروه‌ها از طریق آن جهان را می‌بینند و تفسیر می‌کنند. با توجه به چنین نقشی است که از جایگاه مطالعاتی نگرش‌ها در قلمرو گفتمانی آسیب‌شناختی نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. با این حال به نظر نمی‌آید مطالعهٔ جامعه‌شناسانهٔ نگرش‌ها در گسترهٔ فساد، نسبت به سایر بررسی‌های این حوزه در ایران سهم در خور توجّهی به خود اختصاص داده باشد. مروری بر نگاشته‌های مرتبط بدین موضوع، گواهی است بر مدعای ما که از فساد سازمانی و چرایی و تأثیر پیامدی آن بر جامعه سخن رفته است. طرز تلقی ما، عدم تحلیل علمی و سنجش‌گرایانهٔ شرایط، چگونگی و پیامدهای شکل‌گیری فساد است. با عنایت به چنین ادراکی، نوع نگاه نوشتارهای ذکر شده را تقلیل‌گرایانه می‌دانیم و در تناول با مشکلات عوامل سازمانی بر پیوند گستاخانهٔ فساد با عوامل اجتماعی و فرهنگی تأکید ویژه‌ای داریم. چرا که این عوامل جوی اخلاقی ایجاد خواهند کرد و تخلف از هنجارهای ابتدایی را به شکلی عادی و پذیرفته شده جلوه‌گر می‌سازند (صبوری، ۱۳۸۳: ۱۴۳). بروندادی که تبلور آن، ایستارهای ذهنی متمایل به فساد است که ضمن نهادینه شدن، منجر به هدررفت پتانسیل‌های سازنده جامعه و مختل شدن کارکرد اجتماعی جامعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌شود. بی‌شک قرارگیری این گونه پیامدها در زندگی‌های جمعی ناظر بر ارتباط دقیق موضوع با مسائل مهم جامعه ایران است. وضعیتی ناشی از عدم رعایت ارزش‌ها، هنجارها و رواج معضلات اجتماعی تحت عنوان «فروپاشی اجتماعی» (جلایی‌پور، ۱۳۸۵؛ رفیعی و مدنی، ۱۳۸۴؛ رئیس‌دان، ۱۳۸۴) که ایستارهای کنشگران تسهیل‌کننده آسیب‌ها و پیامدهای برآمده از آن است. در واقع حرکت‌های اصلاحی عرصه‌های فساد، چنانچه نگرش‌ها و ایستارهای ذهنی را مطعم نظر قرار ندهد، ما را در یک وضعیت امتناع از مسئله قرار می‌دهد. در چنین شرایطی است که برای ارائه راه حل‌های نظری راهی جز توصل به عوامل اجتماعی‌فرهنگی باقی نمی‌ماند. بی‌شک دستیابی به چنین تحولی در خلاء صورت نمی‌گیرد؛ به فعل تبدیل نمودن چنین امکانی ممکن است که رصد کردن زیربنای‌های فکری جامعه است. با این مقدمهٔ طولانی می‌توان ادعا نمود نگرش‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های ذهنی با ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری هم‌بسته‌اند و هرچه محیط اجتماعی نگرشی مثبت یا منفی به گسترش فساد داشته باشد؛ موضوع نیز از آن متأثر خواهد شد. در چنین شرایطی باید اذعان داشت که مطالعات مرتبط با فساد در داخل و خارج کشور در قالب تنگاتنگی از عوامل بیرونی (ادیب، ۱۳۷۴؛ تقوی، ۱۳۸۶؛ شکری، ۱۳۸۸؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۹؛ کیا، ۱۳۸۹؛ رفیعی، ۱۳۸۹؛ عباسی و جمال‌پور،

¹ Social Collapse

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد در میان شهروندان کرمانی

(۱۳۹۰؛ پاترنوستر، ۱۹۸۹؛ آگنیو، ۱۹۹۰؛ بکمن و همکاران، ۱۹۹۲؛ بیکر و پی کیورو، ۲۰۱۰) ساخت یافته‌اند.

بدین طریق، شناخت نوع نگرش افراد جامعه به عنوان مسیر رسیدن به چرایی وقوع فساد از اهداف این پژوهش است. در همین زمینه، مقاله در جستجوی پیمایش جدید شناسایی چرایی گسترش فساد است. نوشتار حاضر با وقوف به خلاصه یا کمبود تحقیقات مبتنی بر شناسایی همبسته‌های اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد نگاشته شده است تا با شناخت ایستارهای ذهنی موافق یا مخالف، زمینه مداخله و کاهش این عوامل و هنجارها را فراهم آورد. با این تفاصیل، تفکر محوری مقاله بر مبنای این پرسش کلیدی فرمول بندی شده که آیا می‌توان رابطه نگرش به فساد با عوامل اجتماعی-فرهنگی را پی‌جویی کرد؟ پرسش فرعی این پژوهش عبارت است از اینکه دوگانه نگرش مثبت یا منفی به فساد در میان کنشگران اجتماعی به کدام سو گرایش دارد؟

چارچوب نظری

فساد حامل تعاریفی متعدد و «متضمن تخطی از وظيفة اجتماعية يا انحراف از معیارهای عالی اخلاقی در ازای (یا به امید) سود شخصی، قدرت يا شهرت است» (جولیوس و کولب، ۱۳۹۴: ۶۴۷). همچنین همزاد اصطلاح لاتین «Corruption» به معنای «تاباهشدن»، «شکستن» و «شکسته‌شدن» (حبیبی، ۱۳۷۵: ۳۰؛ بلالی و فرامرزی، ۱۳۸۰: ۱۱) است. اکثر تعاریف ارائه شده به فساد اداری نظر دارند و به جای پرداختن به ریشه‌های فساد بیشتر به شیوع آن می‌اندیشند و پاسخ‌گویی هدف متصور شده مقاله نخواهد بود. با این وجود، معادل پیش‌فرض ما به فساد، به عنوان سازه‌ای اجتماعی-فرهنگی، در تعریف هوپ (۲۰۰۰) قابل ردیابی است. وی فساد را از بعد اخلاقی و اجتماعی تعریف و آن را به عنوان یک بیماری فرهنگی یا بازتاب یک شکست اخلاقی یا جادشدن از هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده و انحراف نامطلوب اجتماعی تلقی کرده که دستیابی به منافع شخصی غیرقانونی در آنها مورد تأکید است؛ در حالی که ممکن است به دلیل عادی شدن فساد، برخی از مصاديق آن در زمرة هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده نیز قرار گیرند.

ریشه‌یابی شکل‌گیری و تداوم فساد می‌تواند تحت تأثیر شرایط و عوامل فردی اجتماعی عدیده، کم و کیف متفاوتی به خود گیرد. از این رو، طرح رویکردهای نظری تبیین آن، می‌تواند در گستره وسیعی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه مورد توجه باشد. لذا تبیین عوامل و ریشه‌های اجتماعی فساد به مثابه یک آسیب اجتماعی را با استناد به صورت‌بندی گفتمانی رویکرد اخلاقی و دیدگاه انتخاب عقلانی و تئوری‌های متفرع از آن چون دوراهی اجتماعی و نظریه بازی مدنظر داریم.

¹ Rational Choice Theory

در رویکرد نظری رابت مرتن (۱۳۷۶) و رفیع پور (۱۳۸۸)، فساد تمايل نهادینه شده‌ای در جهت بیراهه رفتن به عنوان یک روش، هنجار و فرهنگ است. چرا که «نیروهای هنجاری بالفعل» آعمال اجتماعی را با هر اصلی که باشند از نظر هنجاری توجیه و پنهان می‌کنند. این گونه مشروعیت دادن، درک هنجارها و شرایط صواب و واقعی را برای کنشگران دشوار می‌سازد (مرتن، ۱۳۷۶: ۴۵). در این فرایند، اخلاقیون با قائل شدن بار اخلاقی به فساد، مستولی شدن آن را ناشی از جایگزینی ضدارزش‌ها می‌دانند. در وجه و چگونگی این ویژگی، شوارتز ارزش‌های معطوف به کنش‌های انسانی را در دو نوع «ارزش‌های ترقی فردی» شامل ارزش‌های ثروت، مقام، تأیید اجتماعی، موفقیت، خوشی و لذت و «ارزش‌های تعالی فردی» مانند مفیدبودن، مسئولیت‌پذیری، صداقت، وفاداری، عدالت اجتماعية، هماهنگی درونی، برابری و وحدت با طبیعت (بیرهوف، ۱۳۸۴: ۱۵ و ۳۸۶) تقسیم‌بندی می‌کند. در همین زمینه صاحب‌نظران شناختی و عقلانی اخلاق، با بیان ارزش‌های تعالی فردی، کنش‌های سودجویانه را مستلزم پرهیز از دگرخواهی و رعایت حقوق دیگران و تمايل به خودخواهی و خودمداری می‌دانند (جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۱۲). البته بسیاری در این نکته تردید دارند که بدون یک سیستم کنترل درونی بتوان از چنین اعمالی رهایی یافت. دیوید رازمن^۱، سیستم کنترل درونی از جمله پایبندی‌های مذهبی را کاراتر می‌داند؛ زیرا در غیر این صورت، هزینه‌های حیثیتی اقدام به فساد رنگ خواهد باخت و عدهای با این نگرش، آعمال توأم با فساد را فاقد قبح لازم می‌باشد (رفیع پور، ۱۳۸۸).

بدیهی است که فعالیت‌های منفعت‌طلبانه را نمی‌توان به ارزش‌های ترقی فردی و توجیهات هنجاری کلان فروکاست. منظری تلفیقی به فساد و رویکردی خردتر، یعنی ذهنیت کنشگران، جنبه بازنمایانه‌تری از موضوع فراهم می‌آورد. یکی از نظریات راهگشا استفاده از نظریه «انتخاب عقلانی» است. در منظر این نظریه، پدیده‌های اجتماعی حاصل جمع اعمال افراد بسیاری است که براساس محاسبات عقلانی عمل می‌کنند (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۸-۹). ریشه‌های فکری این نظریه را باید در مکتب کلاسیک جرم‌شناختی ردیابی کرد که مطابق با آن، همه رویکردهای نگرشی انسانی در دو بعد پیگیری منافع و دوری از رنج خلاصه می‌شود (دنگ، ۱۹۹۴). بر این اساس، نگرش مثبت به جرم نیز نوعی منفعت تلقی می‌شود که به دنبال افزایش منافع حاصل از جرم رخ می‌دهد. درک کورنیش^۲ و روناد کلارک^۳، گزاره اصلی خود را بر کنشگران عاقل و انتخاب‌گر می‌گذارند (ری گولی و هویت، ۲۰۰۰: ۷۰) و در نهایت به یک مدل از سودهای ناشی از عمل غیرقانونی و هزینه‌های آن می‌رسند. علاوه بر آن، افراد به واسطه ارزیابی متفاوتشان از جرم، در

¹ Riesman, D.

² Cornish, D.

³ Clarke, R.

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد در میان شهروندان کرمانی

نگرش‌ها نیز با یکدیگر متفاوت می‌شوند (مهلکوب و گراف، ۱۹۳: ۲۰-۱۰). رویکرد انتخاب عقلانی بر چرایی فرایند انتخاب ارتکاب به جرم پافشاری می‌کند که می‌تواند متأثر از نوع نگرش به جرم باشد. این فرایند نوعی ساختار انتخاب است که به عنوان پیوستگی فرصت‌ها، هزینه‌ها و منافع دسترسی به انواع خاصی از جرم تعریف می‌شود (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۷: ۹۳۳). به عبارت دیگر، نگرش مثبت یا منفی به فساد زمانی که یک فرد بعد از مدنظر قراردادن نیازها (پول، فرصت برای موفقیت وجهه‌دار)، ارزش‌ها (وجдан، معیارهای اخلاقی) و عوامل موقعیتی ظهرور می‌کند (سیگل و سنا، ۱۹۹۷: ۹۱).

در بخش‌های دیگر نظریه انتخاب عقلانی از جمله «دوراهی اجتماعی»^۱ و «نظریه بازی»^۲، کنش‌های انسانی بررسی می‌شوند که قربات بسیاری با موضوع این پژوهش یعنی ریشه‌های مؤثر بر نگرش به فساد دارند. مسئله دوراهی اجتماعی به موقعیتی اشاره دارد که در آن بازده یا منافع فردی بالاست. اگر انسان‌ها در جهت منفعت فردی عمل کنند سود می‌برند؛ اما اگر همه چنین کنند در درازمدت زیان خواهند دید (ربر، ۱۹۹۵؛ به نقل از جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۸۷). در ساخت نظام جامعی جهت شناسایی نگرش به فساد، استفاده از منطق دوگانه‌گارانه «فردیت-جمع»^۳ کمک بسزایی به ما خواهد کرد. جمع‌گرایی مورد نظر ما با مفهوم «عام‌گرایی» پارسیز متفاوت است. عام‌گرایی متضمن ارزیابی فرد از امور فیزیکی یا اجتماعی بر مبنای معیارهای عام است؛ در حالی که جمع‌گرایی به معنای توجه به منافع جمع در دوراهی‌های اجتماعی است. در جوامعی که کنشگران به دنبال بیشینه کردن منافع فردی خویش‌اند، عمل بر حسب نفع فردی نظام اداری ناکارآمد و فاسد را شکل خواهد داد. در این وضعیت، بدون توجه به پیامدهای درازمدت آن، نفع خصوصی در مقابل نفع جمعی قرار دارد. البته با استمداد از منظار پارسیزی، کنشگر را نه فقط فرد بلکه خانواده، گروه، سازمان و... نیز می‌دانیم (روشه، ۱۳۷۶: ۵۷). هنگامی که کنشگر فرد است می‌تواند بین منافع فردی خود و منافع جمعی عمل کند و زمانی که کنشگر خانواده است می‌تواند بین نفع خانواده و نفع جمع بزرگ‌تر مخیر گردد.

در همین زمینه، نظریه بازی مابین عقلانیت پارامتریک و عقلانیت استراتژیک تفاوت می‌گذارد. در عقلانیت پارامتریک، کنشگر بدون توجه به انتخاب‌ها و رفتارهای کنشگران دیگر به دنبال بهترین شقوق ممکن برای رسیدن به اهداف خود است. اما در عقلانیت استراتژیک، تصمیم فرد وابسته به تصمیمات دیگر بازیگران است (جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۵۵)؛ در نتیجه رواج عقلانیت پارامتریک در شرایط فساد متصورتر از عقلانیت استراتژیک است. در نظریه بازی،

¹ Social Dilemma

² Game Theory

³ Individually

⁴ Collectivity

مجموعه‌ای کنشگر، اعم از فردی و جمیع، جهت به حداکثرساندن سود فردی خود به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. مفهوم عقلانیت در این بازی محدود به عقلانیت ابزاری فردگرایانه است و آن^۱ چیزی جز به حداکثرساندن سود از سوی کنشگر در بازی نیست (چلبی، ۱۳۸۱: ۳۸). در جدول شماره (۱) چهار ترجیح رفتاری در تعامل اجتماعی (مثال: کنشگر الف در برابر کنشگر ب) نمایش داده شده است.

- پاداش: حالتی که هر دو کنشگر به منظور بیشینه کردن منافع مشترک همکاری می‌کنند و از مزایای درازمدت آن بهره‌مند می‌شوند.
- حماقت: در این حالت گنشگر الف همکاری می‌کند ولی کنشگر ب از همکاری طرف دیگر سوءاستفاده می‌کند. در رویکرد علوم اجتماعی این حالت کنشگر الف، مصطلح به رفتار «ایثارگرانه» و تلاشی در جهت بیشینه کردن منافع دیگران است.
- وسوسه: حالتی که کنشگر الف عدم همکاری و کنشگر ب همکاری دارد. این همان طفیلی‌گری^۲ است؛ زیرا کنشگر الف به دنبال بیشینه کردن منافع فردی از طریق نفع بردن از همکاری است.
- مجازات: در این حالت دو طرف به دلیل فردگرایی و رقابت همکاری نمی‌کنند و از مزایای همکاری محروم می‌شوند.

جدول ۱. ترجیحات رفتاری کنشگر الف

کنشگر (ب)		عامل	
عدم همکاری	همکاری	همکاری	کنشگر (الف)
ایثارگری	همکاری	همکاری	
حماقت	پاداش	همکاری	
رقابت و فردگرایی	طفیلی‌گری	عدم همکاری	
مجازات	وسوسه	وسوسه	

منبع: جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۵۹

تمایز عمده «فردگرایی و طفیلی‌گری» در دوگانه «همکاری/ عدم همکاری» است. طفیلی‌گری ناظر بر چشمداشت به همکاری با دیگران و سوءاستفاده از آنان است. اما فردگرایی مثابه‌ای از افزایش نفع فردی بدون چشمداشت به همکاری دیگران است. در پاسخ به چرايی متفاوت بودن ترجیحات رفتاری کنشگران، برنز (۱۹۹۴؛ به نقل از چلبی، ۱۳۸۱: ۳۸) معتقد به تعیین‌کننده بودن روابط و بافت‌های اجتماعی غالب، یا به عبارتی چارچوب فرهنگی شامل هنجارها، ارزش‌ها، اخلاقیات و استراتژی‌های کنشگران است.

¹ Altruistic² Free Riding

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد در میان شهروندان کرمانی

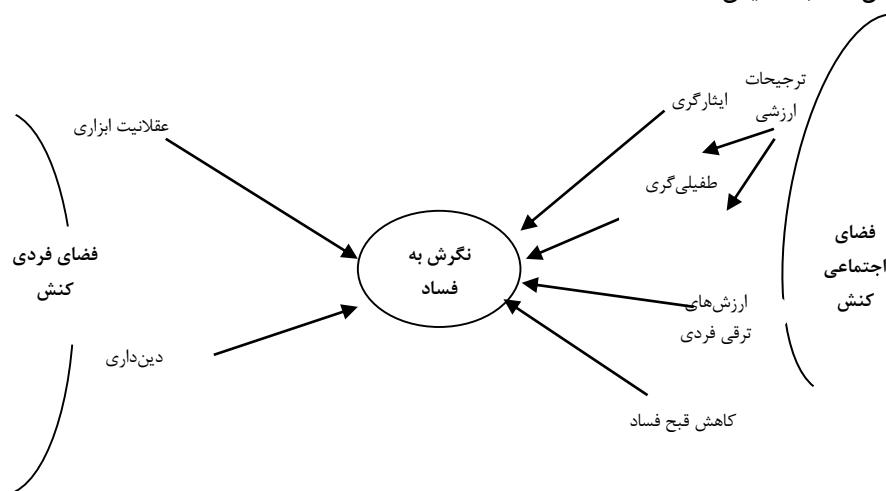
بنابراین نظریه بازی با دوراهی اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ چرا که مسئله دوراهی اجتماعی موضوع همکاری یا عدم همکاری در برخی موقعیت‌های خاص است. در همین زمینه، لیزرا مارکوزی (۲۰۰۱؛ به نقل از جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۸۰) مهم‌ترین «انگیزه‌های رفتاری مبتنی بر همکاری» را ایثار و عمل بدون چشیداشت، باور به کارآمدی زیاد، کانتگرایی روزمره (تفکری که اگر دیگران چنین فکر کنند چه خواهد شد) و «انگیزه‌های رفتار مبتنی بر عدم همکاری» را باور به کارآمدی پایین (این تصور که همکاری من هیچ اثری ندارد) می‌داند.

علاوه بر دیدگاه‌های نظری فوق، منابع تجربی عدیدهای مقوله فساد را به محک آزمون نهاده‌اند. با عنایت به اینکه نوع رویکرد ما به فساد، لحاظنمودن عوامل اجتماعی-فرهنگی حاکم بر ذهنیت کنشگران اجتماعی است؛ این مقوله در میان بررسی‌های انجام‌شده قابل روایی نیست. تأمیلی بر آثار و مقالات علمی گویای غلبه نگاه علت کاوانه سازمانی و اداری است. بنابراین، این بررسی می‌تواند تلاشی پیشگامانه در زمینه شناسایی عوامل اجتماعی مترب با فساد باشد. از این رو پیشینه آن چنانی درباره فساد متصورشده ما موجود نیست. اما متغیرهای آن دسته از پژوهش‌هایی که قرابتی با موضوع مورد نظر داشته‌اند مورد توجه قرار گرفته‌اند. در تحقیقاتی که آزمون نظریه انتخاب عقلانی را مدنظر داشته‌اند، پاترنوستر (۱۹۸۹) میان دانش‌آموzan آمریکایی اثر متغیرهای ادراک قطعیت مجازات و شدت مجازات را در قالب مدل انتخاب عقلانی دقیق نمی‌داند. اگنیو (۱۹۹۰) جرایم مالی بزهکاران را ناشی از لذت‌جویی و نیازهای منفعت‌گرایانه می‌داند. بکمن و همکاران (۱۹۹۲) در میان دانشجویان پسر به رابطه و اثرگذاری باورهای اخلاقی بر نوع نگاه افراد به جرم دست یافته‌اند. بیکر و پی کیورو (۲۰۱۰) نیز به رابطه مثبت بین منفعت و جرم رسیده‌اند. از میان تحقیقاتی که مبانی نظری رویکرد اخلاقی، دوراهی‌های اجتماعی و بازی را دست‌مایه قرار داده‌اند، شکری در بحث از فساد (۱۳۸۸)، عباسی و جمال پور (۱۳۹۰) بین «ضعف» و «عدم باور به معیارهای اخلاقی»، تقوی (۱۳۸۶) و ربیعی (۱۳۸۹) بین «فردگرایی و ارزش‌های فردی»، کیا (۱۳۸۹)، ادیب (۱۳۷۴) بین «گروه‌گرایی» و رفیع پور (۱۳۸۸) بین «کاهش قبح فساد» با فساد به روابط معناداری دست یافته‌اند. ضمن تأیید و علمی‌دانستن چنین بررسی‌هایی، معتقد‌یم همبسته‌های مؤثر بر فساد را می‌توان با سنجش‌ها و جامعه‌آماری جدیدتر به عنوان یک موضوع تحلیلی مورد توجه قرار داد. با توجه به مباحث مطرح شده، تبیین ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی نگرش به فساد را در قالب چارچوب نظری می‌توان بر پایه تشریح برخی ترجیحات ارزشی و رفتاری برساخته نمود.

در نتیجه به عنوان جمع‌بندی برآمده از پیشینه تجربی و ملاحظات نظری، آغازگر توضیح این پدیده را باید در نقش جهت‌گیری ارزش‌های ترقی مادی در سوق‌دهی فرد (بیرهوف، ۱۳۸۴) به سوی نوع نگرش متفاوت به فساد دانست. پیامد قراردادن این ارزش‌ها به اهدافِ صرف کنش‌های

اجتماعی، چیزی جز فزونی اعمال هنجارشکننده، کاهش قبح فساد (رفیع پور، ۱۳۸۸) و کاهش حساسیت جامعه نسبت به معیارهای اخلاقی نخواهد بود. زیرا به کارگیری دلبخواهانه گفتمان‌ها و موجه‌ساختن فردی فساد، تعطیلی اخلاق، کاهش باورهای اخلاقی (سیگل و سنا، ۱۹۹۷) و از پیش روی برداشتن منع‌های اخلاقی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. در نتیجه، رواج نابهنجاری و بدلتان آنها به ارزش‌ها و هنجارها، بافت اجتماعی جدیدی می‌سازد که بالتبغ ترجیحات ایشارگرایانه و طفیلی‌گرانه بازیگران (برنز، ۱۹۹۴؛ به نقل از چلبی، ۱۳۸۱؛ ۳۸؛ جوادی یگانه، ۱۳۸۳) را متناسب با عقلانیت ابزاری دگرگون خواهد کرد. در حقیقت کنشگر، ایستار ذهنی خود را با عنایت به کنش ابزاری (چلبی، ۱۳۸۱)، نیازهای منفعت‌گرایانه (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۷) و ادراک قطعیت و شدت مجازات (پاترنوستر، ۱۹۸۹) به سوی فساد تنظیم می‌کند. البته این فرایندها منوط به نوع کار کرد دین است؛ زیرا باور رویکرد اخلاقی و منظر انتخاب عقلانی به نقش دین‌داری در افزایش نگاه‌های جمع‌گرایانه قابل توجه است (جوادی یگانه، ۱۳۸۳).

در نهایت چنانکه از گفتار بالا برمی‌آید، این پژوهش عوامل پوشش‌دهنده نگرش به فساد را ارزش‌های ترقی فردی، کاهش قبح فساد، ترجیح رفتاری ایشارگرایانه و طفیلی‌گری، عقلانیت ابزاری و دین‌داری فرض گرفته است. ترکیب یا برآیند عوامل مذکور در مدل فرضی مطابق با شکل (۱) به نمایش گذاشته شده‌اند.



شکل (۱) مدل نظری همبسته‌های اجتماعی‌فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد

فرضیه‌ها

فرضیه اصلی این است که نگرش به فساد با فضای اجتماعی و فردی مورد توجه در این پژوهش مثل ارزش‌های ترقی فردی، کاهش قبح فساد، ترجیح رفتاری ایثارگرانه و طفیلی‌گری، عقلانیت ابزاری و دین‌داری رابطه دارد. به طور احتمالی می‌توان گفت:

۱. افراد با ترجیحات ایثارگرایانه نگرش منفی به فساد دارند.
۲. افراد با ترجیحات طفیلی‌گرایانه نگرش مثبت به فساد دارند.
۳. افراد دارای ارزش‌های ترقی فردی نگرش مثبت به فساد دارند.
۴. کاهش قبح فساد در ذهنیت کنشگران نگرش آنها را به فساد مثبت خواهد کرد.
۵. دین‌داری در افراد نگرش آنها را به فساد منفی خواهد کرد.
۶. بالابودن سطح عقلانیت ابزاری افراد به نگرش مثبت آنها به فساد منجر خواهد شد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی با تکنیک پرسشنامه است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان ۶۴-۲۰ ساله شهر کرمان بودند. انتخاب این دامنه سنی متغیر از اهمیت و سهم آنان در تحولات اجتماعی است. همچنین افراد پایین‌تر از این رده به دلیل عدم ورود به فضای کاری، احتمالاً در موقعیت‌های تصمیم‌گیری و تفکر در زمینه تصمیم‌گیری رفتاری درباره مقوله پژوهش قرار نگرفته‌اند؛ از سوی دیگر، افراد بالای این دامنه نیز معمولاً خارج از فضای کاری‌اند. بر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، جمعیت ۶۴-۲۰ ساله شهر کرمان ۳۹۰۹۳۹ نفر است. حجم نمونه با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و با فاصله اطمینان ۹۵ درصد با توجه به جای‌گذاری اعداد در فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای ۳۸۴ نفر انتخاب گردید. این روش غالباً در مطالعات با مقیاس وسیع به کار می‌رود، زیرا هزینه تحقیق را به میزان زیادی کاهش می‌دهد (نچمیاس و نچمیاس، ۱۳۸۱: ۳۷۱). بدین منظور، ابتدا نقشه شهر به چندین منطقه تقسیم شد و سپس از میان آنها چهار منطقه مشخص گردید. در مرحله بعد، از میان هر کدام از این مناطق دو ناحیه انتخاب شد و از درون هر ناحیه دو خیابان به عنوان واحد نمونه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. درون هر خیابان تعدادی منزل مسکونی به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب و با مراجعه به آنها از هر خانوار یک نفر، در صورت وجود دامنه سنی، به عنوان پاسخ‌گو برگزیده شد. شیوه انتخاب واحدهای مسکونی در هر خیابان تصادفی سیستماتیک بوده است؛ بدین صورت که تعداد واحدهای مسکونی موجود در هر خیابان بر تعداد پرسشنامه‌هایی که باید در آن خیابان پر شود تقسیم گردید و عدد حاصله (x) به عنوان فاصله بین واحدها در نظر گرفته شد. اولین واحد به صورت تصادفی انتخاب و واحدهای بعدی با رعایت فاصله x انتخاب شد.

برآورد اعتبارسازه پرسشنامه با تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی صورت پذیرفت. مقدار آزمون KMO برابر با ۰/۹۰۲ نشان از آن داشت که همبستگی موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عامل مناسب خواهد بود.

نتایج ماتریس همبسته (جدول شماره ۲) چرخش داده شده نشان می‌دهد که ارزش‌های ویژه عوامل به ترتیب عبارت از ۰/۹، ۰/۸، ۰/۷، ۰/۶، ۰/۵، ۰/۴، ۰/۳، ۰/۲، ۰/۱، ۰/۰، ۰/۹، ۰/۸، ۰/۷ و ۰/۶ درصد واریانس آزمون و در مجموع ۷۸/۶۳ درصد کل واریانس متغیرهای آزمون را تبیین می‌کند.

جدول ۲. مقادیر واریانس تبیین شده مربوط به هر عامل

مؤلفه‌ها	ارزش ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد واریانس تراکمی
ترجیح ایثارگرایانه	۰/۹	۰/۹	۰/۹
طفیل گرایانه	۰/۸	۰/۸	۰/۸
ارزش‌های ترقی فردی	۰/۷	۰/۷	۰/۷
کاهش قیچ فساد	۰/۶	۰/۶	۰/۶
دین‌داری	۰/۵	۰/۵	۰/۵
عقلانیت ابزاری	۰/۴	۰/۴	۰/۴
	۰/۳	۰/۳	۰/۳
	۰/۲	۰/۲	۰/۲
	۰/۱	۰/۱	۰/۱
	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	۰/۹	۰/۹	۰/۹
	۰/۸	۰/۸	۰/۸
	۰/۷	۰/۷	۰/۷
	۰/۶	۰/۶	۰/۶

گویه‌های مربوط به هر عامل در جدول شماره (۳) به نمایش گذاشته شده است. جهت حصول و اطمینان بیشتر از پایایی ابزار سنجش، گویه‌ها به تعداد هشتاد پرسشنامه پیش‌آزمون شدند. با تکمیل و کددگاری و واردنمودن در نرم‌افزار SPSS پایایی آنها با ضریب آلفای کرونباخ برآورد گردید که هر کدام به تفکیک آمده‌اند.

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد در میان شهروندان کرمانی

جدول ۳. عوامل و اجزای مربوط به هر عامل

α	بار عاملی	ارزش‌ها	
۰/۸۰	۰/۸۳۵	اعتراف به گناه یا ابراز پژوهش‌مانی	ترجیح ایثارگرایانه
	۰/۸۰۷	رفتار در جهت رفاه دیگران	
	۰/۷۸۸	جستجوی فرصت برای کمک به دیگران	
	۰/۵۵۹	نادیده‌گرفتن سود فوری و شخصی در برابر فعالیت‌هایی که به کل گروه سود می‌رساند	
۰/۷۶	۰/۸۰	تلash فرد در جهت به اصطلاح بیرون کشیدن گلیم خود از آب با استفاده از دیگران	طفیل گرایانه
	۰/۶۹۰	گرفتن امتیاز در صورت فراهم‌بودن زمینه	
	۰/۵۲۸	استخدام اقوام در صورت فراهم‌بودن زمینه	
	۰/۵۰۳	توقع از آشنازی صاحب پست و مقام برای استخدام	
	۰/۵۵۷	استفاده کردن از نقاط ضعف دیگران برای پیشرفت	
۰/۷۴	۰/۴۴۴	ارزش دادن به لذت طلبی	ارزش‌های ترقی فردی
	۰/۷۱۵	ارزش نیل به هدف	
	۰/۸۰۰	ارزش ثروت	
	۰/۴۳۳	ارزش مقام	
۰/۸۵	۰/۸۳	زرگی در استفاده از منابع مالی شرکت یا مؤسسه	کاهش قیچ فساد
	۰/۷۶۴	سی‌توجه‌بودن نسبت به شنیدن اخبار مربوط به فساد	
	۰/۷۱۴	دیدگاه درباره پیشرفت‌نکردن جامعه به عنوان اولین استفاده‌های مالی	
۰/۶۹	۰/۷۱۱	پایبندی به ارزش‌های اخلاقی	دین داری
	۰/۷۰۷	رسیدگی به اعمال انسان در جهانی دیگر	
	۰/۵۱۴	کلام خدا بودن قرآن	
	۰/۵۰۳	پوچ بودن زندگی در صورت عدم اعتقاد دینی	
	۰/۴۹۹	احساس تنهایی‌نکردن در صورت به یاد خدا بودن	
	۰/۴۳۷	دین‌دارنودن فرد بی‌نیاز	
	۰/۴۳۳	دین‌دارنودن فرد در صورت پرداخت نکردن خمس و زکات	
	۰/۵۵۰	ملک تدین در انتخاب همسر به عنوان اولین معیار	
۰/۶۵	۰/۸۴۶	درنظرگرفتن راه حل‌های مختلف به هنگام تصمیم‌گیری	عقلانیت ابرازی
	۰/۸۳۳	محاسبه سود و زیان به هنگام انجام عمل و انتخاب کمزیان ترین عمل	
	۰/۸۲۰	ضرر کردن افرادی که اهل محاسبه سود و زیان هستند	

سنجه‌ها

نگرش به فساد

منظور نظامی از تمایلات، عقاید و اعتقادات (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۳۲) مثبت یا منفی فرد نسبت به فساد است که در طول زمان متأثر از عوامل محیطی و اجتماعی است. پرداخت عملیاتی این مقیاس با استفاده از طیف لیکرت و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و پرسش از تمایل و دیدگاه پاسخ‌گویان از قرارگرفتن در موقعیتی جهت تمایل به انجام عملی در انواع و بعد فساد «رشوه، اختلاس،

کلک‌های اقتصادی، باج‌گیری و امتیازدادن» (ربيع‌پور، ۱۳۸۸)، در سطح ترتیبی سه‌گانه نگرش مشیت، بینابین و منفی با چهار گزینه «خیلی کم»، «کم»، «زیاد» و «خیلی زیاد» مورد توجه بودند.

ترجیحات ایثارگرایانه

جهت‌گیری و تمایل فرد به رفتار اجتماعی که کنشگر بدون توجه به سود خود به دنبال منفعت دیگران است. ساخت عملیاتی این مفهوم با طیف لیکرت و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ در سطوح پایین، متوسط و بالا است. دیدگاه پاسخ‌گویان درباره گویه‌هایی مانند «اعتراف به گناه یا ابراز پشیمانی، پیش‌بینی تأثیر رفتار خود در رفاه دیگران، جست‌وجوی فرست برای کمک به دیگران، نادیده گرفتن سود فوری و شخصی در برابر فعالیت‌هایی که به کل گروه سود می‌رساند» (گلاور و برونینگ، ۱۳۸۱) مورد نظر بود.

ترجیحات طفیل گرایانه

تمایل فرد در جهت افزایش منافع خوبیشن از طریق نفع‌بردن از همکاری دیگران به هر وسیله است (کلارک و فلسن، ۱۹۹۳). مقصود از کنشگر در اینجا فرد، خانواده و گروه خواهد بود. برای عملیاتی نمودن این مفهوم از گویه‌هایی چون «تلاش فرد در جهت به‌اصطلاح بیرون‌کشیدن گلیم خود از آب، دادن امتیازات به بستگان در صورت فراهم‌بودن زمینه، استخدام اقوام در صورت فراهم‌بودن زمینه، توقع از آشنازی صاحب پست و مقام برای استخدام، استفاده کردن از نقاط ضعف دیگران برای پیشرفت» (آگنیو، ۱۹۹۰؛ ویتو و همکاران، ۲۰۰۷) سود جسته‌ایم. طبقه‌بندی این مفهوم در سطوح پایین، متوسط و بالا با طیف لیکرت و مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ بود.

ارزش‌های ترقی فردی

مجموعه‌ای از نظرات، ارزش‌ها و باورهایی که شکل دهنده زندگی و تا حدودی تعیین‌کننده رفتار بشر هستند (اسکات و شوارتز، ۲۰۰۰؛ ۹۵-۹۷) که در این تحقیق با مؤلفه‌هایی چون لذت‌طلبی، نیل به هدف، موفقیت، ثروت و مقام (سیگل و سنا، ۱۹۹۷؛ کیا، ۱۳۸۹) سنجش شده است. گویه‌های این مقیاس با استفاده از طیف لیکرت (با ضریب آلفای ۰/۷۴) در سطوح «زیاد»، «متوسط» و «کم» مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

کاهش قبح فساد

منظور نزول هزینه‌های حیثیتی و قانونی فساد در دید فرد است. عملیاتی کردن این مفهوم با ترکیبی از گویه‌های «زنگی یک کارمند در استفاده از منابع مالی شرکت یا مؤسسه، بی‌توجه‌بودن فرد نسبت به شنیدن اخبار مربوط به فساد، پیشرفت‌نکردن جامعه به علت سوءاستفاده‌های مالی» (ربيع‌پور، ۱۳۸۸) مورد نظر بود که در مجموع متغیری ترتیبی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و سه گزینه «کم»، «متوسط» و «زیاد» را شکل داده‌اند.

دین داری

اشکال نهادی شده باورها و رفتارها (مثلاً آیین‌ها و ادیان سنتی) و اشکال غیرنهادی شده باورها و رفتارها (مانند هرگونه باور فردی به عالم معنوی و نیز اصول اخلاقی متعالی) را شامل می‌شود (سراجزاده، ۱۳۸۴: ۵۹). نظریه‌های انتخاب عقلانی درباره دین شواهدی ارائه می‌کنند که براساس آن، مردم در رفتارهای مذهبی خود بر پایه ارزیابی عقلانی از هزینه‌ها و فایده‌ها عمل می‌کنند (جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۱۹۴). در این تحقیق سنجش پایبندی افراد در سه سطح اعتقادی، مناسکی و عاطفی بهمنظور نوع نگرش به فساد مدنظر است. این مفهوم از طریق گوییه‌هایی با آلفای ۰/۶۹ در سطوح پایین، متوسط و بالا در طیف لیکرت سنجش شده است که با پرسش از میزان موافقت یا مخالفت پاسخ‌گوییان درباره «کار کرد دین نسبت به پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، رسیدگی به اعمال انسان در جهانی دیگر، کلام خدا بودن قرآن، پوچ بودن زندگی در صورت عدم اعتقاد دینی، احساس تنهایی نکردن در صورت به یاد خدا بودن، دین‌دارنبودن فرد بی‌نماز، دین‌دارنبودن فرد در صورت نپرداختن خمس و زکات، ملاک تدین در انتخاب همسر به عنوان اولین معیار» انجام گرفته است.

عقلانیت اجزایی

نظریه انتخاب عقلانی با الهام از وبر، کار فاعلانی را عاقلانه می‌داند که نسبت به شقوق ممکنه، شقی را برگزینند که برای رسیدن به غایاتشان بهترین راه حل باشد (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۳). عملکرد و دیدگاه پاسخ‌گوییان نسبت به گزینه‌هایی چون «در نظر گرفتن راه حل‌های مختلف به هنگام تصمیم‌گیری، محاسبه سود و زیان به هنگام انجام عمل و انتخاب کم‌زیان‌ترین عمل، ضررکردن افرادی که اهل محاسبه سود و زیان هستند» (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۷)، با طیف لیکرت و آلفای کرونباخ ۰/۶۵ در سه سطح پایین، متوسط و بالا سنجیده شده است.

یافته‌ها

بافت جمعیتی نمونه

براساس نتایج جدول (۵)، ۴۳ درصد از پاسخ‌گوییان را زنان و ۵۷ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. دامنه سنی پاسخ‌گوییان بین ۲۰ تا ۶۴ ساله با میانگین ۲۷/۶ سال بوده است که بیشترین نسبت در محدوده سنی ۲۰ تا ۲۹ ساله با ۶۲/۵ درصد (جوادی ۱۳۸۴: ۶۲) دارد. به لحاظ وضعیت تأهل، ۷۴/۳ درصد پاسخ‌گوییان مجرد، ۲۵/۵ درصد متاهل و ۱/۳ درصد نیز در گزینه سایر (مطلقه، بیوه) قرار گرفته‌اند. تحصیلات ۲۱/۵ درصد از پاسخ‌گوییان کاردانی و پایین‌تر، ۶۳/۳ درصد کارشناسی، ۱۲ درصد کارشناسی ارشد و ۳/۵ درصد دکترا بوده است.

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

جدول ۵. بافت جمعیتی نمونه (n=۴۰۰)

متغیرها و طبقات		
درصد	f	
۴۳	۱۷۲	زن
۵۷	۲۲۸	مرد
۶۲/۵	۲۵۰	۲۰-۲۹
۸/۳	۳۳	۳۰-۳۹
۱۰/۲	۴۱	۴۰-۴۹
۷/۵	۳۰	۵۰-۵۹
۱۱/۵	۴۶	۶۰-۶۴
۷۴/۳	۲۹۷	مجرد
۲۵/۵	۱۰۲	متاهل
۰/۳	۱	سایر
۲۱/۵	۸۵	کارداری و پایین‌تر
۶۳/۳	۲۵۳	کارشناسی
۱۲	۴۸	ارشد
۳/۵	۱۴	دکترا

تصویف متغیرهای وابسته و مستقل

بررسی توصیفی متغیرهای عمده پژوهش، جدول شماره (۶)، حاصل ترکیب گویه‌های نگرش به فساد در قالب یک مقیاس ترکیبی با معیار مشترک ۱۰۰-۱ است. بالاترین نسبت ۴۸/۵ (درصد) مربوط به کسانی است که نگرش بینابین به فساد داشته‌اند. ۲۷/۲۵ درصد دارای نگرش منفی و ۲۴/۲۵ درصد دارای نگرش مثبت به فسادند. آماره‌های میزان ترجیح رفتار ایثارگری با میانگین ۹/۸ به گونه‌ای است که ۹/۸ درصد از پاسخ‌گویان در طبقه پایین جای دارند، میزان ایثارگرایی ۷۱/۳ درصد پاسخ‌گویان در حد بینابین و ۱۹ درصد نیز در حد بالا قرار دارد. مطابق یافته‌ها در ترجیح رفتاری طفیل‌گرایانه، ۲۳ درصد پاسخ‌گویان طفیل‌گری پایینی دارند. همچنین ۱۶/۳ درصد طفیل‌گری بالا داشته و اکثر جمعیت (۶۰/۸ درصد) در سطح بینابینی از ترجیح رفتاری طفیل‌گری جای گرفته‌اند. ۷/۸ درصد از پاسخ‌گویان ارزش‌های ترقی فردی پایینی دارند. این در حالی است که با میانگین ۱۸/۵ بیش از نیمی از پاسخ‌گویان ۵۹/۸ درصد ارزش ترقی فردی بینابینی را اعلام کرده‌اند. میزان کاهش قبح فساد در ۱۰ درصد از پاسخ‌گویان پایین، در ۴۴ درصد بینابین و ۴۶ درصد بالا بوده است. نسبت پاسخ‌گویان در متغیر دین داری به گونه‌ای است که ۵۲/۵ درصد آنها در سطح بینابین، ۳۷ درصد پایین و ۱۰/۵ درصد بالا قرار دارند. همچنین جایگاه پاسخ‌گویان با میانگین ۱۵/۱ در متغیر عقلانیت ابزاری به ترتیبی است که ۴۸/۳ درصد از آنها عقلانیت بالایی دارند. ۴۵/۳ درصد آنها از عقلانیت ابزاری بینابین و تنها ۶/۵ درصد عقلانیت ابزاری پایینی دارند.

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد در میان شهروندان کرمانی

جدول ۶. توصیف متغیرهای اصلی تحقیق ($n=400$)

<i>SD</i>	<i>Mo</i>	<i>Mdn</i>	<i>M</i>	درصد تجمعی	درصد	درصد	<i>f</i>	متغیرها و طبقات
۳/۲	۱۷	۱۸	۱۸/۱	۲۷/۲۵	۲۷/۲۵	۱۰۹	منفی	نگرش به فساد
				۷۵/۷۵	۴۸/۵	۱۹۴	بینابین	
				۱۰۰	۲۴/۲۵	۹۷	مثبت	
۱/۸	۹	۱۰	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۳۹	کم	ترجیح ایثارگری
				۸۱/۲	۷۱/۳	۲۸۵	بینابین	
				۱۰۰	۱۹	۷۶	بالا	
۴/۶	۲۰	۲۱	۲۱/۱	۲۳	۲۳	۹۲	کم	ترجیح طفیلی‌گری
				۹۳/۸	۶۰/۸	۲۴۳	بینابین	
				۱۰۰	۱۶/۳	۶۵	بالا	
۴/۴	۱۸	۱۸	۱۸/۵	۷/۸	۷/۸	۳۱	کم	ارزش‌های ترقی فردی
				۶۷/۵	۵۹/۸	۱۳۹	بینابین	
				۱۰۰	۳۲/۵	۱۳۰	بالا	
۳/۲	۱۱	۱۱	۱۰/۹	۱۰	۱۰	۴۰	کم	کاهش قیچ فساد
				۵۴	۴۴	۱۷۶	بینابین	
				۱۰۰	۴۶	۱۸۴	بالا	
۳/۴	۱۷	۱۷	۱۷/۶	۳۷	۳۷	۱۴۸	کم	دین داری
				۸۹/۵	۵۲/۵	۲۱۰	متوسط	
				۱۰۰	۱۰/۵	۴۲	بالا	
۳/۱	۱۶	۱۵	۱۵/۱	۶/۵	۶/۵	۲۶	کم	عقلانیت ابزاری
				۵۱/۸	۴۵/۳	۱۸۱	بینابین	
				۱۰۰	۴۸/۳	۱۹۳	بالا	

آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و نگرش به فساد

نتایج آزمون‌های آماری و یافته‌های جدول شماره (۷)، ناظر بر صحت فرضیه رابطه میان ترجیح رفتاری ایثارگری و نگرش به فساد است. در آزمون دی سامرز (۰/۲۸۱)، رابطه میان دو متغیر از نظر آماری معنادار و معکوس است. لذا فرضیه «هرچه افراد ترجیح رفتاری ایثارگرانه داشته باشند، نگرش منفی به فساد دارند» تأیید می‌گردد. در ادامه با عنایت به دو بعدی بودن رابطه و جدول مربعی، جهت پی‌بردن به شدت رابطه، آماره تاوی‌بی کنдал (۰/۲۸۲) را مورد توجه قرار دادیم که حکایت از وجود رابطه ضعیف میان دو متغیر مذکور است. مقدار آماره گاما (۰/۲۸۹)، ضعیف‌بودن شدت این رابطه را نیز تأیید می‌کند.

مشاهده رابطه ترجیح رفتاری طفیل‌گرایانه با روحیه نگرش به فساد در سطح معناداری (۰/۰۰۵) آزمون دی سامرز (۰/۱۳۳)، معناداری رابطه را می‌رساند. فرضیه «هرچه افراد ترجیح رفتاری طفیل‌گرایانه داشته باشند، نگرش مثبت به فساد دارند» تأیید می‌گردد. مقدار آماره تاوی‌بی کنдал (۰/۱۳۳) نشان از شدت ضعیف رابطه دارد. مقدار آماره گاما (۰/۲۴۱) نیز گواهی بر مدعاست. سطح معناداری به دست آمده (۰/۴۶۰) جهت بررسی رابطه میان ارزش‌های ترقی فردی

و نگرش به فساد فاقد معناداری آماری است. بر این مبنای، فرضیه «هرچه افراد دارای ارزش‌های ترقی فردی باشند، نگرش مثبتی به فساد دارند» قابل اثبات نیست.

با بررسی نتایج حاصل از سنجش رابطه میان دو متغیر کاهش قبح فساد و نگرش به فساد در آماره دی سامرز (۰/۵۱۳)، معناداری آنها نشان داده می‌شود. لذا، فرضیه «هرچه در ذهنیت کنشگران کاهش قبح فساد بیشتر باشد، تمایلات آنها به فساد مثبت خواهد شد»، مورد تأیید است. مقدار بالای این آماره (۰/۷۱۳) نشانگر شدت رابطه میان کاهش قبح فساد و نگرش مثبت به فساد است. مقدار گاما (۰/۷۲۲) شاهدی قوی بر شدت رابطه میان دو متغیر است. سطح معناداری به دست آمده از آزمون دیسامرز برای بررسی رابطه میان دو متغیر دین‌داری و نگرش به فساد، به لحاظ آماری معنادار نیست. بر این اساس، فرضیه «هرچه دین‌داری در افراد بیشتر باشد، نگرش آنها به فساد منفی خواهد شد»، تأیید نمی‌گردد.

جدول ۷. رابطه بین متغیرهای مستقل و نگرش به فساد

ضریب همبستگی		متغیرهای مستقل
<i>p</i>	پیرسون	
۰/۰۰۴	-۰/۲۸۲	ترجیح ایثارگری
۰/۰۰۵	۰/۱۳۳	ترجیح طفیل‌گری
۰/۴۶۰	-۰/۰۳۵	ارزش‌های ترقی فردی
۰/۰۰۵	۰/۷۱۳	کاهش قبح فساد
۰/۴۲۸	-۰/۰۳۲	دین‌داری
۰/۰۰۶	۰/۵۴۳	عقلانیت ابزاری

در بررسی فرضیه رابطه عقلانیت ابزاری و نگرش به فساد، معناداری میان دو متغیر مشاهده می‌شود. بنابراین، فرضیه «هرچه سطح عقلانیت ابزاری افراد بیشتر باشد، نگرش آنها به فساد مثبت است»، مورد تأیید است. مقدار ضریب پیرسون (۰/۵۴۳) شدت متوسط رابطه را می‌رساند. براساس نتایج فوق، برای کنترل آماری روابطی که در سطح تحلیل‌های دو متغیری بین متغیر وابسته و هریک از متغیرهای اصلی مورد توجه پژوهش به دست آمده‌اند، به تحلیل رگرسیونی پرداخته شده است. در بررسی رگرسیونی، متغیر ارزش‌های ترقی فردی و دین‌داری اثر معناداری بر متغیر وابسته ندارد. رابطه میزان ایثارگری با نگرش به فساد در جهت معکوس معنادار است.

جدول ۸. تحلیل چندمتغیره: همبستگی رگرسیونی متغیرهای تحقیق

<i>P</i>	<i>F</i>	<i>Adj R</i> ^۲	<i>R</i> ^۲	<i>P</i>	<i>t</i>	β	<i>B</i>	مدل
۰/۰۰۱	۸/۹	۰/۶	۰/۶۱	-۰/۰۲۶	-۲/۲۲۹	-۰/۲۲۷	-۰/۱۱۷	ایثارگری
				۰/۰۰۱	۳/۱۵۴	۰/۹۷۵	۰/۱۹۰	طفیل‌گری
				۰/۰۰۲	-۱/۲۵۰	۱/۰۶۲	۰/۰۹۵	کاهش قبح فساد
				۰/۲۳۳	-۳/۱۵۳	-۰/۱۸۴	-۰/۸۵۱	دین‌داری
				۰/۰۰۹	۰/۲۴۱	۰/۸۱۲	۰/۰۱۲	عقلانیت ابزاری
				۰/۰۰۱	۱۳/۸۶۹		۲/۳۶۶	مقدار ثابت

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد در میان شهروندان کرمانی

سطح معناداری به دست آمده از رابطه میان عقلانیت ابزاری و طفیلی‌گری با نگرش به فساد، به ترتیب 0.001 و 0.009 است که نشانگر اثر مستقیم آنها بر نگرش به فساد است. در میان متغیرهای مورد نظر، کاهش قبح فساد ($\beta = 0.062$) بیشترین سهم را در تغییرات متغیر وابسته دارد. پس از آن، متغیر طفیلی‌گری ($\beta = 0.075$) است. سومین متغیر سهیم در تغییرات متغیر وابسته، عقلانیت ابزاری است که اثر آن معنادار است ($\beta = 0.012$). همچنین با توجه به مقدار ضریب تعیین ($R^2 = 0.061$)، تنها 0.039 از تغییرات باقیمانده متأثر از عوامل و متغیرهای بیرون از تحقیق است. به عبارتی، 61% درصد از تغییرات نگرش به فساد ناشی از متغیرهایی است که در این تحقیق به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های برآمده از تحقیق با استناد به فرضیه‌های موجود، به گونه‌ای رقم خورد که به استثنای ارزش‌های ترقی فردی^۱ و دین‌داری^۲، متغیرهای ترجیح ایشارگری^۳، ترجیح طفیلی‌گری^۴، کاهش قبح فساد^۵ و عقلانیت ابزاری^۶ رابطه معناداری با نگرش به فساد برقرار کردند. نگرش به فساد حالتی است که در آن کنشگر عضو یک گروه یا جامعه با دو گزینه رویه‌رو است: نگرش مثبت که جستجوی نفع فردی است و نگرش منفی که جستجوی نفع جمعی خواهد بود. مهم‌ترین یافته پژوهش نگرش مثبت شهروندان به فساد است. بر این مبنای، چارچوب عمده پژوهش، نظریه بازی و دوراهی اجتماعی در قالب انتخاب عقلانی بود که تلاش شد رفتار کنشگران را براساس محاسبه سود و زیان توسط خود آنها تبیین گردد.

تبیین وجود رابطه معکوس میان میزان ترجیحات ایشارگرایانه و نگرش منفی به فساد و به عبارتی تأثیر افزایش و کاهش ایشارگری افراد در افزایش و کاهش نگرش به فساد، برآمده از حاکمیت الگوی هم‌حسی است که بخش مهمی از خودپنداره افراد است. این مطلب میین همسانی با دیدگاه دورکیم، مبنی بر وجود روحیه خودتنظیمی و استقلال ارادی است (بیات، ۱۳۷۲). محققان دیگر نیز ترجیحاتی نزدیک به این مسئله را در پژوهش‌های خویش یافته‌اند (چلبی، ۱۳۸۱؛ دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۸۱؛ نوروزی، ۱۳۷۵). رابطه معنادار میان نگرش منفی به فساد و ترجیح پاسخ‌گویان به طفیلی‌گری، چه به صورت درون ذات و چه به شکل رفتاری، را شاید بتوان با توجه به خو نمودن به خانواده و خویشاوندگرایی (ادیب، ۱۳۷۴)؛

¹ Value of Individual Improvement

² Religiosity

³ Altruistic Preference

⁴ Free-riding Preference

⁵ Decreasing the Malign of Corruption

⁶ Instrumental Rationality

رفع پور، ۱۳۸۸؛ کیا، ۱۳۸۹) و رابطه‌مندی تبیین کرد. عدم رابطه معنادار میان متغیر افزایش ارزش‌های ترقی فردی و نگرش مثبت به فساد را می‌توان این‌گونه استدلال کرد که تکثر چنین ارزش‌هایی در جامعه و نگاه مثبت جامعه مدرن به لذت‌طلبی، نیل به هدف، موفقیت، ثروت و مقام، باورها و هنجارها کم‌وبیش فرستاده و اجازه دستیابی بدان‌ها را مجاز شمرده‌اند. از این‌رو، چنین اموری به ارزش‌های مطلوب همگان بدل شده‌اند و تفاوتی در این زمینه مابین افراد با سلاطیق گوناگون مشاهده نمی‌شود. در حقیقت داشتن ارزش‌های ترقی فردی به مسئله‌ای ممتنع بدل گشته و نقشی کم‌رنگ در کردارها و کنش‌های جمعی ابعاد نگرشی فساد ایفا می‌کند.

اما با توجه به رابطه‌مند بودن تأثیر کاهش قبح فساد بر نگرش مثبت بدان، کاسته‌شدن قبح و به دنبال آن اضمحلال مکانسیم‌های درونی کنترل در افراد را با متغیر دین‌داری همبسته می‌دانیم. لذا به منظور قابلیت تبیین دقیق‌تر، مفهوم دین‌داری را نیز فصل قریب تحلیل کاهش قبح فساد می‌دانیم. با توجه به تأکید مستقیم آرای نظری عدیده، انتظار می‌رفت میان دین‌داری و نگرش منفی به فساد رابطه باشد (رفع پور، ۱۳۸۸؛ به نقل از فروید، ۱۹۵۳، ریزمن، ۱۹۵۸). آنچه نیز از منظر انتخاب عقلانی به عنوان تأثیر دین‌داری بر نگرش به فساد قابل برداشت است، گذشتن از نفع فردی است. این وضعیت در میان شهروندان مورد مطالعه ما صدق نمی‌کند. تحلیل این رخداد راجع به این موضوع است که در جامعه‌ای که دین و دین‌داری با نظام سیاسی پیوند یابد، رفتار مذهبی به عنوان رفتاری سیاسی با ابزار تشویق و توبیخ ارزیابی می‌گردد (رفع پور، ۱۳۸۸). در نتیجه برخی افراد احساس نگرانی می‌کنند که تمایل واقعی خود را بیان کنند و گاهی به منظور به دست آوردن حداکثر سود، تمایلات دینی خود را متناسب با انتظارات نظارت‌کنندگان وانمود کنند. از سوی دیگر، پرداخت تحلیلی معنادار بودن رابطه میان عقلانیت ابزاری و نگرش مثبت به فساد، نشان از شکاف اخلاق با کنش عقلانی ابزاری دارد (بیات، ۱۳۷۲). زیرا قواعد اخلاقی و رفتارهای جمع‌گرایانه، قراردادهایی سودگرایانه نیستند و مردم معمولاً در این موقعیت‌ها به نفع جمعی تمایل می‌یابند. از این‌رو، امروزه بالا بودن عقلانیت ابزاری کمتر به نگرش‌های جمع‌گرایانه ختم می‌شود.

به عنوان جمع‌بندی نهایی از مباحث تحلیلی و عطف توجه به داده‌های تجربی، حدود ۲۸ درصد افراد نگرش منفی، ۴۸ درصد نگرش بینابین و ۲۴ درصد نگرشی مثبت به فساد دارند. بر این اساس کسانی که نگرش مثبتی به فساد دارند، افرادی هستند که کاهش قبح فساد، ترجیح رفتاری طفیل‌گری و عقلانیت ابزاری بیشتری دارند. برآیند این یافته‌ها، توجه به این نکته است که از منظر دورکیمی، امیال پایان‌نپذیر و فزاینده انسان در جهان امروز با نظمی جماعتی قابل مهار نیست. چرا که آموزه‌های اخلاقی رفتار افراد را تنظیم نمی‌کنند و در عین حال افراد با احساسی از کاهش قبح فساد، افزایش کنش ابزاری و طفیل‌گری روبرو شده‌اند. مسائل مذکور

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد در میان شهروندان کرمانی

از سوی عوامل دیگری چون افول اقتدار نهادهای اخلاقی نیز تقویت می‌شوند. نکته دیگر آنکه علی‌رغم دامنه نفوذ دین در بخش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران، به باور برخی کارکرد اصلاحی دین در زمینه اصلاح رفتار فردی اجتماعی محدود است (رفیع‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰۸). هنجرهای مناسکی در جزئی‌ترین مراحل و انشعاب آموخته می‌شود؛ اما آموزه‌های اخلاقی و امکان رایج شدن ارزش‌های عمیق مغفول مانده‌اند. بدین جهت در پایان بهمنظور کاهش بی‌توجهی نسبت به فساد باید تلاش کرد در وضعیت فرهنگی و هنجرهای حاکمه تجدیدنظر و بازسازی صورت گیرد. در این مسیر می‌توان با بهره‌گیری از نهاد آموزش در قالب آموزش قبح کم‌کاری، پاسخ‌گویی در مقابل تعهدات و تشویق به ورود افراد در فرایندهای مختلف اجتماعی بر بیداری و «تحریک وجودان جمعی» همت گماشت. علاوه بر این، نهادسازی و افزایش اعتماد اجتماعی در قالب «احیای حس مسئولیت‌پذیری» از طریق تقویت کانون‌ها و سازمان‌های مردم نهاد بهمنزله پل‌های ارتباطی حکومت و مردم، مداخله در خطمشی‌گذاری‌ها و به نوعی پرورش «شهروند مدنی» گامی مؤثر خواهد بود. همگام با این مسیر، ایجاد محیط‌های بازدارنده و عدم تعیض در برخورد با فساد می‌تواند از رهنمودهای عملی و اجرایی امور باشد. چرا که علاوه بر دو بعد «تحریک وجودان جمعی» و «احیای حس مسئولیت‌پذیری»، سیاست‌های مبتنی بر کنترل و نظارت سیستمی عامل بازدارنده و تکمیل‌کننده عدم ارتکاب رفتارهای ناعادلانه کنش‌گران اجتماعی نسبت به یکدیگر است.

منابع

- ادیب، م. ح (۱۳۷۴) *جامعه‌شناسی ایران*، تهران: هشت بهشت.
بالی، ا و فرامرزی، د (۱۳۸۰) «بررسی نظری مسئله فساد»، *مجله حقوق دادگستری*، شماره ۳۷: ۳۷-۸.
- بیات، ف (۱۳۷۲) *رابطه عام‌گرایی با اخلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده*، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- بیرهوف، و (۱۳۸۴) *Riftarهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه ر. صدیقی‌نژاد، تهران: گل آذین.
- بیرو، آ (۱۳۶۶) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه ب. ساروخانی، تهران: کیهان.
- تقوی، ع (۱۳۸۲) «تأثیر فرهنگ سازمانی بر فساد اداری»، *ماهنامه تدبیر*، شماره ۱۸۱: ۲۷-۳۱.
- جلایی‌پور، ح. ر (۱۳۸۵) «فروپاشی یا آشفتگی اجتماعی در ایران ۱۳۷۶-۱۳۸۴»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۷ (۳): ۵۹-۷۵.
- جوادی یگانه، م. ر (۱۳۸۳) *دوراهی اجتماعی و عوامل مؤثر بر رفتار مردم در این موقعیت*، رساله دکتری منتشرنشده، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

- جوادی یگانه، م. ر (۱۳۸۷) «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی: مقدمه بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی برنامه‌ریزی شده» راهبرد فرهنگ، شماره ۱ (۳): ۳۳-۶۴.
- چلبی، م. (۱۳۸۱الف) بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چلبی، م (۱۳۸۱ب) «فضای کنش، ابزاری تنظیمی در نظریه سازی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴ (۱): ۵-۴۶.
- حبيبی، نادر (۱۳۷۵) فساد اداری، تهران: وثقی.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور.
- رئیس دانا، ف (۱۳۸۴) «عوامل و انگیزه‌های اقتصادی‌اجتماعی بروز بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴ (۱۶): ۲۲۱-۲۵۰.
- ربیعی، ع (۱۳۸۹) نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری، تهران: دانشگاه پیام نور مرکز.
- رفعی‌پور، ف (۱۳۸۸) سلطان اجتماعی فساد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفعی، ح و مدنی، س (۱۳۸۴) «واکنش‌های غیرسیاسی نسبت به بحران‌های اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴ (۱۶): ۱۰۵-۱۳۶.
- روشه، گ (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه ع. ح. نیک‌گهر، تهران: تبیان.
- سراج زاده، س. ح (۱۳۸۴) چالش‌های دین و مدرنیته، تهران: طرح نو.
- شکری، خ (۱۳۸۸) «استراتژی مبارزه با فساد»، ماهنامه اطلاعات سیاسی، شماره ۱۱ و ۱۲: ۲۶۲-۲۶۴.
- صبوری، م (۱۳۸۰) «ضرورت اصلاح ساختار اداری»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران (ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران)، شماره ۱ (۱): ۱۱-۲۴.
- عباسی، م و جمال‌پور، م (۱۳۹۰) «نقش فرهنگ سازمانی در ارتقای سلامت اداری و سطح رضایت‌مندی مردم»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۵ (۴۴ و ۴۵): ۴۴-۵۴.
- کیا، ف (۱۳۸۶) بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی و فساد اداری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده، دانشگاه پیام نور مرکز تهران، تهران.
- گلاور، ج و بروونینگ، ر (۱۳۸۱) روان‌شناسی تربیتی؛ اصول و کاربرد آن، ترجمه ع. ن. خرازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گولد، ج و کولب، و (۱۳۹۴) فرهنگ علوم اجتماعی، به کوشش م. ج. زاهدی، تهران: مازیار.
- لیتل، د (۱۳۷۳) تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه ع. ک. سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد در میان شهروندان کرمانی

مرتن، ر (۱۳۷۶) مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناسخانی، ترجمه ن. توکلی، تهران: امیرکبیر.
نچمیاس، چ. ف و نچمیاس، د (۱۳۸۱) روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه ر. فاضل و
ف. لاریجانی، تهران: سروش.

نوروزی، ف. ا (۱۳۷۵) فردگرایی در بین جوانان در حال تحصیل در تهران. پایان نامه
کارشناسی ارشد منتشرنشده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

Agnew, R (1996) ‘The Origins of Delinquent Events: An Examination of Offender Accounts’, *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 27 (3): 267-294.

Baker, T. & Pinquero, A (2010) ‘Assessing Perceived Benefits- Criminal Offending Relationship’, *Journal of Criminal Justice*, 38: 981-987.

Beckman, R, Paternoster, R & Ward, S (1992) ‘The Rationality of Sexual Offending: Testing A Deterrence/ Rational Choice Conception of Sexual Assault’, *Law & Society Review*, 26 (2): 343-372.

Clarke, R. V & Felson, M (1993) *Routine Activity and Rational Choice: Advances in Criminological Theory*, London: Transaction Publishers.

Cornish, D. B & Clarke, R. V (1987) ‘Understanding Crime Displacement: An Application of Rational Choice Theory’, *Criminology*, 25: 933-947.

Deng, X (1994) *Toward a More Comprehensive of Crime: An Integrated Model of Self-Contorol and Rational Choice Theories*, New Brunswick, NJ: Transaction.

Hope, K (2000) ‘Corruption and Development in Africa’, In K. Hope & B. Chikulo (Eds.), *Corruption and Development in Africa: Lessons from Country Case Studies*, 231-340, London: Macmillan.

Mehlkop, G & Graeff, P (2010) ‘Modeling A Rational Choice Theory of Criminal Action: Subjective Expected Utilities, Norms and Interactions’, *Rationality and Society*, 22 (2): 189-222.

Paternoster, R & Simpson, S (1996) ‘Sanction Threats and Appeals to Morality: Testing a Rational Choce Model of Corporate Crime’, *Law & Society Review*, 30 (3): 549-584.

Regoli, R. M & Hewitt, J. D (2000) *Delinquency in Society*, McGraw: Hill Higher Education Publisher.

Scot, B. M & Schwartz, A (2000) *Sociology*, USA: Allyn and Bacon.

Siegel, L. J & Sienna, J (1997) *Juvenile Delinquency: Theory, Practice and Law* (Sixth edition), USA: West Publishing Company.

Vito, G. F, Maahs, J. R & Holmes, R. M (2007) *Criminology: Theory. Research and Policy*, Canada: Jones and Bartlett Publishers.